

تبیین رابطه رفتار قلمروپایی شهروندان با معیارها و میزان ادراک پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهر

(مطالعه موردی: خیابان ولیعصر (عج) تهران)

دکتر منصور یگانه*، دکتر محمدرضا بمانیان**، دکتر علیرضا عینی فر***، دکتر مجتبی انصاری****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۱۱/۲۶

چکیده

در این مقاله، رابطه رفتار قلمروپایی شهروندان با میزان و معیارهای پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری مطالعه شده است. وجود پیوستگی بین ساختمان و شهر در انسجام فضاها و کیفیت‌مندی آن شرط اساسی است. رفتار قلمروپایی به‌عنوان یکی از ابعاد اجتماعی فضای شهری، در ادراک پیوستگی فضاها و تعیین معیارهای ارزش‌گذاری کیفیت آنها توسط شهروندان نقش مهمی ایفا می‌نماید. مدعای تبیینی مقاله آن است که بر اساس رفتارهای قلمروپایی شهروندان، میزان ادراک و معیارهای پیوستگی ساختمان و شهر متفاوت است. این گزاره نظری در سه سکانس از خیابان ولیعصر (عج) تهران مورد آزمون واقع شده است. در سطح نظری روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و در سطح تجربی پیمایشی است که در چارچوب منطق فازی انجام گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، بین میزان رفتار قلمروپایی و میزان ادراک پیوستگی هم‌تغییری وجود دارد، ولی معیارهای پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری در فضاهای مختلف بر حسب میزان و نوع رفتار قلمروپایی شهروندان متفاوت است.

واژه‌های کلیدی

خیابان ولیعصر (عج) تهران، قلمروپایی، کیفیت فضای عمومی، انسجام فضاهای عمومی، پیوستگی ساختمان و شهر.

* استادیار گروه معماری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری، گروه معماری. E-mail: M.yegane@modares.ac.ir

** استادگروه معماری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر. (مسئول مکاتبات) E-mail: Bemanian@modares.ac.ir

*** استاد معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

**** دانشیار معماری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری.

مقدمه

و خصوصی از اهمیت زیادی برخوردار است (Sommer, 1969, 21). کنترل مستمر بر بخش‌های خاصی از فضای کالبدی توسط فرد یا یک گروه منجر به شکل‌گیری قلمرو می‌گردد. حس قلمروپایی از حس تعلق و انس با مکان نشأت می‌گیرد. قلمرو باعث می‌شود حس متمایز بودن، حریم خصوصی و حس هویت فردی تقویت شود. نیاز به قلمرو از نظر سازوکارهای تنظیم حریم خود و دیگران قابل تبیین است (Altman, 1973; Sommer, 1969). طبق نظر آلتمن، سه شکل قلمرو شامل قلمرو اول (مانند خانه)، قلمرو دوم که دارای سطح متوسطی از شخصی‌سازی است و قلمرو سوم (سطح عمومی است)، را می‌توان تعریف کرد. بر این اساس، قلمرو وابسته به چهار عامل است: مدت سکونت در مکان، تأثیرات ادراکی بر ساکن و دیگران در ایجاد حس مالکیت، میزان و مقدار شخصی‌سازی مکان، میزان قابل‌دفاع بودن آن مکان در زمان تجاوز به قلمرو. قلمرو از طریق علامت‌گذاری و مرزبندی کالبدی برای کنترل رفتار در فضا شکل می‌گیرد (Altman, 1975).

اگرچه رفتار قلمروپایی توسط گزینه تحریک می‌شود، ولی شدت و شکل آن توسط چارچوب‌های فرهنگی و اجتماعی به‌نظم درمی‌آید (Dubos, 1965; Ardrey, 1966). اسکار نیومن معتقد است که سلسله‌مراتب قلمرومکانی یا زمینه‌های به‌وجود آورنده خلوت، برای احساس بهزیستی مهم هستند و به احساس امنیت انسان کمک می‌کنند. نیومن ایجاد امنیت و احساس امنیت را از طریق مفهوم فضای قابل‌دفاع تبیین می‌کند (Newman, 1972).

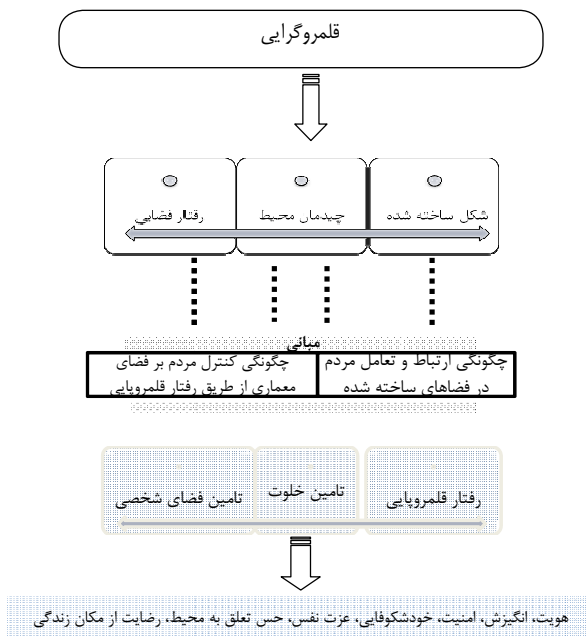
پیشینه نظری پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری

زمانی یک سکونتگاه مطلوب است که به‌عنوان مجموعه‌ای پیوسته و یکپارچه به احساس درآید (Lynch, 1960) از نظر کوین لینچ شرط اساسی برای پیوستگی و یکپارچگی مجموعه آن است که مظاهر هر قسمت در قسمت دیگر جاری شود و احساسی از پیوستگی درونی اجزاء از هر جهت و در هر سطح به‌وجود آید و در همه مظاهر مجموعه به‌طور پیوسته ادامه‌یابد (لینچ، ۱۳۸۷). با ایجاد انسجام و پیوستگی پایدار و متداوم در شهر، پیوند گذشته، حال و آینده فرهنگ یک جامعه برقرار گشته، معیارها و ارزش‌های نسل‌های پشت سر هم، به‌هم متصل می‌شود (حمیدی، ۱۳۷۶، ۱۱). استخوان‌بندی و ساختار فضای عمومی شهری در صورت داشتن پیوستگی، واجد کیفیت و مختصات ویژه می‌گردد. این مختصات در جو حاکم بر فضا و ارزش‌های بصری آن منعکس گردیده و از تراکم جمعیتی، سروصدا، نوع تردد، نوع فعالیت‌های خارج از ساختمان‌ها، آرامش یا ازدحام، همگنی و ناهمگنی فرم‌ها و فعالیت‌ها، تفکیک حریم‌های خصوصی و عمومی

فضاهای شهری به‌عنوان یکی از دستاوردهای انسانی که نمادی از فرهنگ و تمدن جوامع هستند، از اهمیت شایانی برخوردار هستند (تقی‌زاده و طبعانی، ۱۳۹۰، ۷۳). قلمروپایی یکی از ابعاد اجتماعی فضاهای شهری است. کیفیت و نحوه روی‌دادن آن با کیفیت فضاهای عمومی شهری مرتبط است. به‌عبارتی، چگونگی و میزان رفتار قلمروپایی شهروندان با معیارهایی که توسط آنها شهروندان فضای عمومی شهری را مطلوب یا باکیفیت می‌دانند، تأثیر متقابل دارند. مدعای مقاله این است که قلمروپایی به‌عنوان یک کنش اجتماعی با میزان احساس پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری رابطه دارد و بین آنها الزاماً همیشه هم‌تغییری وجود دارد. میزان این هم‌تغییری از فضایی به فضایی دیگر با توجه به ماهیت، ویژگی‌ها و نوع فضا متفاوت است. تبیین هم‌تغییری این دو متغیر و بررسی روابط متقابل آنها بر اساس ویژگی‌های فضاها، هدف مقاله است. بر این اساس با توجه به مسئله‌مند بودن موضوع، رابطه بین میزان و نوع رفتار قلمروپایی شهروندان با میزان پیوستگی و انسجام فضاهای عمومی شهری مورد مطالعه قرار گرفته است. در این مطالعه خیابان ولیعصر (عج) تهران برای مطالعه موردی انتخاب شده است. با توجه به اینکه موضوع مقاله، بررسی رابطه متقابل مفاهیم قلمروپایی و پیوستگی فضاهای عمومی شهری است، در ادامه به بررسی این دو مفهوم به‌عنوان مبانی نظری مقاله پرداخته می‌شود.

پیشینه نظری

چگونگی ارتباط و تعامل مردم در فضای ساخته‌شده و چگونگی کنترل مردم بر فضای معماری از طریق رفتار قلمروپایی از اساسی‌ترین مفاهیم در طراحی محیط است (لنگ، ۱۳۸۶، ۱۱۱). عواملی چون تأمین خلوت و فضای شخصی و داشتن رفتار قلمروپایی به ارضای نیازهای دیگری چون هویت، انگیزش، امنیت، خودشکوفایی و عزت‌نفس و حس تعلق به محیط و رضایت از مکان زندگی در انسان‌ها می‌انجامد (Hall, 1995; Goffman, 1963; Sommer, 1969; Altman & Chemers, 1980). چگونگی بیان این نیازها و نحوه دست‌یافتن به آنها، در جوامع مختلف به‌شدت متفاوت است (Altman & Chemers, 1966; Hall, 1980). مفاهیم خلوت، فضای شخصی و قلمروپایی باهم ارتباط نزدیکی دارند. نوع و میزان خلوت، به الگوی جاری فعالیت، زمینه فرهنگی و شخصیت و انتظارات فردی وابسته است (لنگ، ۱۳۸۶، ۱۶۶). اساس ساخت شهر در واقع تفکیک فضاهای شهر به عرصه‌های عمومی و خصوصی است. چرایی و چگونگی تفکیک فضاها به عمومی



شکل ۱. نقش قلمروگرایی در طراحی محیط

قلمروپایی بر اساس این گزاره، قلمروگرایی شرط لازم برای پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری است. فرضیه مقاله به شرح زیر است: «بین میزان رفتار قلمروگرایی شهروندان با میزان ادراک پیوستگی ساختمان و شهر هم‌تغییری وجود دارد، به گونه‌ای که هرچه میزان قلمروگرایی بیشتر باشد، میزان ادراک پیوستگی ساختمان و شهر نیز بیشتر می‌شود». اثبات این ادعا از طریق رجوع به شواهد تجربی انجام شده است.

چارچوب روش‌شناختی

این پژوهش بر حسب اهداف جزء مطالعات توصیفی و تبیینی و بر مبنای نتایج در زمره مطالعات کاربردی است. بر مبنای فرایند پژوهش کیفی و کمی و بر مبنای چارچوب روش‌شناسی، فازی است. طبق روش‌شناسی فازی، می‌توان گفت همه چیز به شکل نسبی درجه‌بندی می‌شود (کاسکو، ۱۳۸۴) و حقیقت چیزی بین صفر و یک است (ساعی، ۱۳۹۲). درجات فازی مفاهیم بر مبنای ارزش‌های جدول زیر توسط ریگین تعیین شده است.

شیوه گردآوری داده‌ها در سطح کلان رجوع به اسناد و متون علمی و در سطح خرد، روش تجربی پیمایش با ابزار پرسش‌نامه و به صورت مصاحبه حضوری است. واحدهای مشاهده رجوع به بلوک‌های متصل به سکانس‌های انتخاب‌شده و مصاحبه با افراد با تحصیلات حداقل دیپلم می‌باشد. در این مقاله چهار واحد تحلیل مورد مطالعه قرار

تناسب فضای باز و سبز به فضای محصور و بسته، نورپردازی‌ها و بسیاری موارد کمی و کیفی دیگر ناشی می‌شود (همان، ۳). شهرها به لحاظ تعدد عناصر و پیچیدگی روابط جزو سیستم‌های پیچیده هستند که یافتن عناصر سازنده این سیستم و همچنین پیوندهای آنان هسته اصلی مسائل شهری را تشکیل می‌دهد (حبیب و شکوهی، ۱۳۹۱، ۱۷). ماهیت پیوستگی همانند هر امر دیگری نسبی، درجه‌بندی شده و غیرقطعی است. تعیین میزان پیوستگی بر مبنای دستگاه نظری دوارزشی صفر و یک که در معرفت‌شناسی علوم و تحت عنوان منطق ارسطویی رایج است، تنها به این گزاره می‌انجامد که یک فضای عمومی شهری پیوسته است یا پیوسته نیست. این گزاره منطبق با واقعیت نیست، چرا که ماهیت پیوستگی فضاها و در کل، ماهیت پدیده‌ها و واقعیت‌ها دوارزشی نبوده، بلکه چندارزشی، مبهم و درجه‌بندی شده‌ها به اصطلاح فازی است. تبیین میزان دقیق‌تر این پیوستگی نیازمند طراحی نظام یا دستگاه معرفتی چندارزشی است که در آن پاسخ گزاره‌ها، صرفاً محدود به آری یا خیر نمی‌باشد، بلکه درجات پیوستگی شامل طیفی از محدوده ارزش‌گذاری شده بین صفر و یک است.

فرضیه تمقیق

بر اساس مبانی نظری مطرح‌شده گزاره نظری این تحقیق به شرح زیر است: پیوستگی ساختمان و شهر در فضای عمومی شهری

جدول ۱: ارزش‌های فازی (Source: Ragin, 2008)

درجه بندی	برجسب زبانی
۰/۹۹	عضویت کامل
۰/۸۳	بیشتر درون مجموعه
۰/۶۷	بیشتر بیرون تا بیرون مجموعه
۰/۵۰	نقطه گذار
۰/۳۳	بیشتر بیرون تا درون مجموعه
۰/۱۷	بیشتر بیرون از مجموعه
۰/۰۱	عدم عضویت کامل

مدارک علمی.

حجم نمونه برابر ۵۰۰ نفر از ساکنین و کسبه بلوک‌های متصل به ساکنس‌های مورد مطالعه بوده و شیوه نمونه‌گیری به روش هدفمند است.

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

آزمون فرضیه نیازمند عملیاتی‌سازی مفاهیم مورد استفاده در این فرضیه است که در ادامه، معرف‌های عملی آنها بیان شده‌است. تعریف مفهومی پیوستگی ساختمان و شهر: از لحاظ مفهومی پیوستگی ساختمان و شهر عبارت‌است از اینکه ادراکی از پیوستگی درونی و بیرونی مجموعه در تمامی سطوح، مقیاس‌ها و جهات یک مجموعه به‌وجود آید و مظاهر هر قسمت در قسمت دیگر جاری و به‌طور پیوسته ادامه‌داشته و بین درون و بیرون مجموعه دیالکتیک مناسب شکل گیرد. در این صورت معناداری، خوانایی و هویت متن شهری حاصل می‌شود. زمانی پیوستگی مطلوب است که در ابعاد کالبدی، فضایی، اجتماعی و نمادین حاصل گردد.

تعریف مفهومی قلمروپایی (قلمروگرایی): به‌لحاظ مفهومی قلمروگرایی به‌معنی تأمین فضای شخصی، تأمین خلوت و داشتن

گرفته‌است: ۱- شهر تهران؛ ۲- خیابان ولیعصر (عج) و سه ساکنس از آن شامل ساکنس‌های: میدان تجریش تا زعفرانیه؛ میدان ولیعصر (عج) تا چهارراه ولیعصر (عج)؛ و میدان راه‌آهن تا چهارراه مولوی. ۳- افراد شامل ساکنین و کسبه ساکنس‌های مورد مطالعه؛ و ۴- اسناد و

جدول ۲. معرف‌های عملی قلمروگرایی

معرف‌های عملی قلمروگرایی	ابعاد قلمروگرایی
عدم تعرض به فضای شخصی افراد؛	تأمین فضای شخصی
۱- امکان کنترل برخوردها و تعاملات با دیگران در فضا؛ ۲- امکان کنترل برخوردهای دیداری، شنیداری، بویایی، چشایی در فضا ۳- امکان شکل‌گیری تعاملات اجتماعی	تأمین خلوت
۱- احساس مالکیت نسبت به فضای جلوی ملک؛ ۲- وجود سلسله‌مراتب بین فضاهای عمومی و خصوصی؛ ۳- نفوذپذیری و دسترسی	داشتن رفتار قلمروپایی

جدول ۳. معرف‌های عملی پیوستگی فضاهای عمومی شهری

معرف‌های عملی	ابعاد پیوستگی فضاهای عمومی شهری
خوانایی کالبدی، هماهنگی، نظم و زیبایی ظاهری، پیوستگی و یکپارچگی	پیوستگی کالبدی
پیوستگی در دیدها و منظرها، پیوستگی دسترسی‌ها و نفوذپذیری‌ها، ارتباط مناسب طبقات همکف ساختمان‌ها با فضای خیابان	پیوستگی فضایی
فضاهای جمعی، کنترل تعاملات و رفتارها، سازگاری کاربری‌ها و فعالیت‌ها، سرزندگی، ایمنی و امنیت	پیوستگی فعالیتی- اجتماعی
وجود نمادها و نشانه‌های آشنا و خاطره‌انگیز، پیوستگی و یکپارچگی نمادها و نشانه‌ها	پیوستگی نمادین
هویت‌مندی، همخوانی شاکله فضا با عقاید و اندیشه‌های فرد، قابل‌تصور بودن فضا پس از ترک آن	انسجام و یکپارچگی کیفیت‌ها

مقیاس فازی مفاهیم

با توجه به جدول ارزش‌های فازی که در مبانی روش‌شناسی فازی بیان شد، برای هر یک از مفاهیم طبق جدول ۴ مقیاس فازی ساخته شده‌است.

تملیل توصیفی

تحلیل توصیفی در دو بُعد متغیرهای زمینه‌ای و متغیرهای مستقل و وابسته انجام شده است. گویه‌های مورد پرسش بر حسب متغیرهای مستقل و وابسته مطابق با جدول ۵ است.

رفتار قلمروپایی است. قلمروگرایی، چگونگی ارتباط مردم در فضای ساخته‌شده و چگونگی کنترل مردم بر فضای معماری از طریق رفتار قلمروپایی است.

تعریف عملیاتی مفاهیم (متغیرها)

تعریف عملیاتی معرف‌ها به شرح جدول‌های ۲ و ۳ می‌باشد. اعتبار این معرف‌ها از طریق رجوع به پیشینه‌نظری، اجماع علمی صاحب‌نظران و دانش محتوایی نویسندگان تأمین شده‌است.

جدول ۴. مقیاس‌سازی مفاهیم مورد استفاده در فرضیه

درجه‌بندی فازی پیوستگی ساختمان و شهر در فضای عمومی شهری	پیوستگی کامل (۹۹). بیشتر پیوستگی (۸۳). کم و بیش پیوستگی (۶۷). بینابین (۵). کم و بیش ناپیوستگی (۳۳). کمتر پیوستگی (۱۷). کاملاً ناپیوسته (۰۱).
درجه‌بندی فازی قلمروگرایی	تمایل کامل به داشتن رفتارهای قلمروگرایانه (۹۹). تمایل بیشتر به داشتن رفتارهای قلمروگرایانه (۸۳). کم و بیش تمایل به داشتن رفتارهای قلمروگرایانه (۶۷). نه تمایل به داشتن رفتار قلمروگرایانه نه تمایل به نداشتن رفتار قلمروگرایانه (۵). کم و بیش عدم تمایل به داشتن رفتارهای جمع‌گرایانه (۳۳). تمایل کمتر به داشتن رفتارهای جمع‌گرایانه (۱۷). عدم تمایل کامل به داشتن رفتارهای جمع‌گرایانه (۰۱).

جدول ۵. گویه‌های مورد پرسش در مطالعه میدانی

گویه‌های ناظر بر قلمروگرایی	گویه‌های ناظر بر احساس پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری
- در حالت عادی مانند موقع راه رفتن، به فضای شخصی افراد تعرض نمی‌شود. مانند نزدیک نشدن بیش از حد به شخص.	- شکل کلی فضا به راحتی قابل درک است.
- در این فضا توانایی کنترل برخورد خود با دیگران برای فرد وجود دارد.	- آن قسمت از خیابان که ساختمان‌های آن به هم پیوسته هستند، را یکپارچه احساس کند.
- بین فضاهای خصوصی مانند خانه‌ها با فضاهای نیمه‌عمومی مانند حیاط مجتمع‌ها، فضایی نیمه‌خصوصی مانند ورودی یا پیش ورودی وجود دارد.	- ساختمان‌ها و فضای خیابان آراستگی و نظم ظاهری دارند.
- فضای خیابان به همراه ساختمان‌ها به صورت یک مجموعه یکپارچه احساس می‌شود.	- فضای خیابان به همراه ساختمان‌ها به صورت یک مجموعه یکپارچه احساس می‌شود.
- کل عناصر موجود مانند ساختمان‌ها، گیاهان، کف خیابان، مبلمان و نورپردازی‌ها با هم انسجام دارند.	- ساختمان‌های جلویی خیابان با ساختمان‌های عقبی دارای انسجام و یکپارچگی هستند.
- فضاهای داخلی (مانند مغازه‌ها) با فضای بیرون (مانند خیابان) ارتباط مناسب دارند.	- کل عناصر موجود مانند ساختمان‌ها، گیاهان، کف خیابان، مبلمان و نورپردازی‌ها با هم انسجام دارند.
- از ساختمان‌های پشت خیابان دسترسی به فضای خیابان به اندازه کافی وجود دارد.	- فضاهای پر مانند ساختمان‌ها با فضاهای خالی دارای پیوستگی مناسب هستند.
- ورودی‌های ساختمان‌ها با فضای خیابان ارتباط مناسب دارند.	- در طول این قسمت از خیابان انسان همواره احساس می‌کند ساختمان‌های اطراف مانند حصارى او را در برگرفته‌اند.
- سعى کند با نشانه‌هایی نشان دهد مالکیت جلوی ملکش در اختیار خودش است.	- ساختمان‌ها و فضاهای مورد نظر را در این قسمت به راحتی می‌توان پیدا کرد.
	- این قسمت از خیابان به عنوان جزئی پیوسته از بقیه قسمت‌های خیابان احساس می‌شود.
	- نشانه‌ها و نمادها به صورت یک مجموعه مرتبط به هم و به صورت یکپارچه با سایر عناصر به نظر می‌رسند.
	- این فضا هویت و شخصیت خاص برای خودش دارد.
	- پس از ترک فضا، می‌توان شکل فضا و عناصر آن را در ذهن تصور کرد.

توصیف متغیرهای زمینه‌ای

برون داده‌های آماری حاصل نشان می‌دهد که ۳۲۰ نفر یعنی ۷۳ درصد از پاسخگویان را مردان و ۱۲۱ نفر یعنی ۲۷ درصد دیگر را نیز زنان تشکیل داده‌اند. برون داد آماری مربوط به آماره‌های توصیفی این متغیر نشان می‌دهد که بر روی طیف جمعیت ۸۰-۱۷ ساله پاسخگویان، آماره‌های گرایش به مرکز نما (مد) برابر با ۲۵، میانه برابر با ۲۹ و میانگین سنی پاسخگویان برابر با ۳۱/۶ و آماره پراکندگی انحراف استاندارد برابر با ۱۰،۹۵ است. براساس توزیع آماری این متغیر، ۶ نفر یعنی در حدود ۱،۳ درصد از پاسخگویان را دارندگان مدرک ابتدایی، ۱۹ نفر یعنی در حدود ۴/۱ درصد را دارندگان مدرک سیکل، ۱۷۳ نفر یعنی ۳۷/۳ درصد را دارندگان مدرک دیپلم، ۵۴ نفر یعنی حدود ۱۱/۶ درصد کاردانی، ۱۶۴ نفر یعنی ۳۵/۳ درصد کارشناسی، ۲۵ نفر یعنی ۵/۴ درصد کارشناسی ارشد و ۴ نفر یعنی ۰/۹ را نیز دارندگان مدرک دکتری تشکیل داده‌اند که آماره‌ها مربوط به دارندگان مدرک دیپلم با ۳۷/۳ درصد بیشترین است. برون داد آماری مربوط به آماره‌های توصیفی متغیر سابقه سکونت در تهران نشان می‌دهد که بر روی طیف ۸۰-۱ سال، آماره‌های گرایش به مرکز نما (مد) برابر با ۱ سال، میانه برابر با ۲۶ و میانگین سکونت پاسخگویان برابر با ۲۶/۳ و آماره پراکندگی انحراف استاندارد برابر با ۱۴/۷۵ سال است. با توجه به آماره‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت که اکثریت جمعیت نمونه آماری پژوهش حداقل دو دهه سابقه سکونت در تهران را دارند. برون دادهای

آماري حاصل از جدول توصيفي مالکیت نشان می‌دهد که ۴۳/۸ درصد از پاسخگویان پژوهش را افراد مالک و ۵۶/۲ درصد دیگر را نیز مستاجرین تشکیل داده‌اند. از مجموع ۴۶۴ پاسخگوی پژوهش ۲۴/۱ درصد به این سوال پاسخ نداده‌اند.

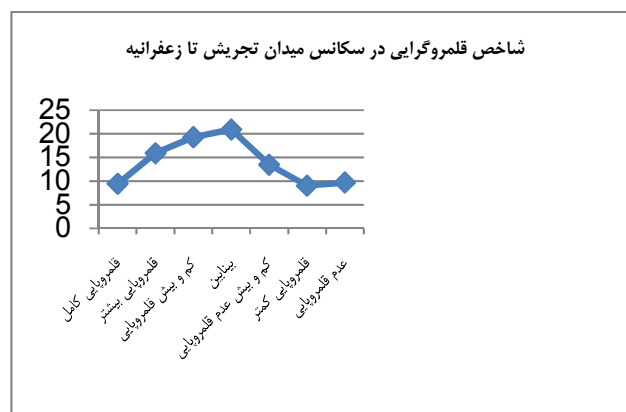
تحلیل توصیفی مفاهیم فرضیه

با توجه به منطق حاکم بر پژوهش که منطق فازی است، مجموعه فازی مستقل (قلمروگرایی) و مجموعه فازی وابسته (کیفیت فضاهای عمومی شهری) در این مقاله در هر سه سکانس و مجموع آنها مورد تحلیل توصیفی قرار گرفته‌اند. قلمروگرایی و پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری به شرح زیر مورد تحلیل توصیفی واقع شده‌اند.

داده‌های تجربی قلمروگرایی: داده‌های تجربی قلمروگرایی در سکانس میدان تجریش تا زعفرانیه طبق جدول ۶ می‌باشد. همانطور که از داده‌های تجربی جدول مشخص است، شاخص قلمروگرایی در این سکانس نشان می‌دهد بیشتر افراد دارای رفتار قلمروپایی هستند تا عدم قلمروپایی. ۲۰/۹ درصد پاسخگویان عضو زیرمجموعه بینابین، ۱۹/۲ درصد پاسخگویان عضو زیرمجموعه «کم و بیش قلمروگرایی»، ۱۵/۹ درصد افراد عضو زیرمجموعه «بیشتر قلمروگرایی و ۹/۴ درصد پاسخگویان عضو زیرمجموعه «قلمروگرایی کامل» هستند.

جدول ۶ داده‌های تجربی قلمروگرایی در سکانس میدان تجریش تا زعفرانیه

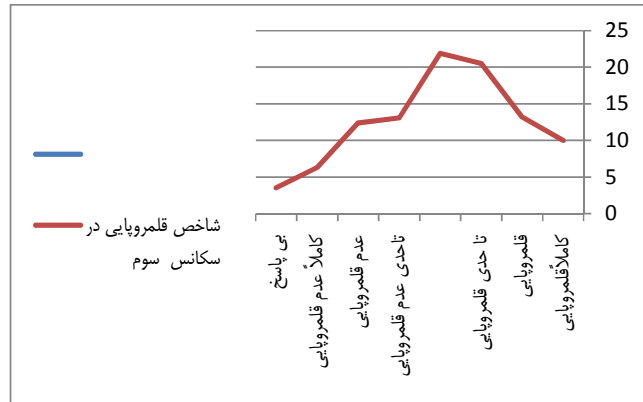
گروه‌های قلمروگرایی	کاملاً موافق	موافق	تا حدی موافق	بینابین	تا حدی مخالف	مخالف	کاملاً مخالف	بی‌پاسخ
شاخص قلمروگرایی	۹/۴	۱۵/۹	۱۹/۲	۲۰/۹	۱۳/۴	۹	۹/۲	۲/۷



شکل ۲: شاخص قلمروگرایی در سکانس میدان تجریش تا زعفرانیه

جدول ۷. داده‌های تجربی قلمروگرایی در سکانس میدان ولیعصر(عج) تا چهارراه ولیعصر(عج)

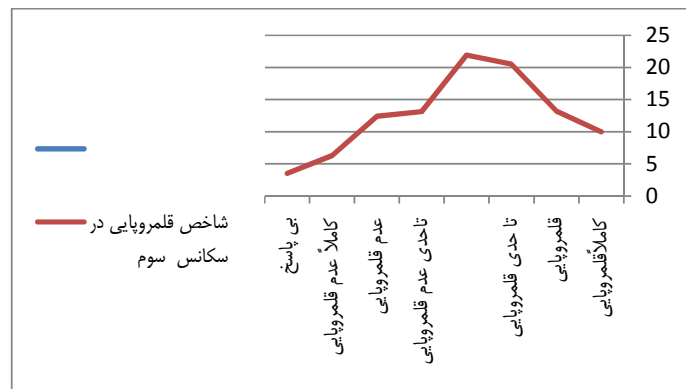
گویه‌های قلمروگرایی	کاملاً موافق	موافق	تا حدی موافق	بینابین	تا حدی مخالف	مخالف	کاملاً مخالف	بی‌پاسخ
شاخص قلمروگرایی در سکانس دوم	۸/۲۶	۱۱/۸	۲۰	۲۲/۲	۱۶/۲	۱۱/۴	۶/۶	۲



شکل ۳. شاخص قلمروگرایی در سکانس دوم

جدول ۸. داده‌های تجربی قلمروپایی در سکانس میدان راه‌آهن تا چهارراه مولوی

گویه‌های قلمروپایی	کاملاً موافق	موافق	تا حدی موافق	بینابین	تا حدی مخالف	مخالف	کاملاً مخالف	بی‌پاسخ
شاخص قلمروپایی در سکانس سوم	۱۰	۱۳/۲	۲۰/۵	۲۱/۹	۱۳/۱	۱۲/۴	۶/۳	۳/۵۲



شکل ۴. شاخص قلمروگرایی در سکانس سوم

نمودار شاخص قلمروگرایی در این سکانس نشان می‌دهد که نقطه گذر (زیرمجموعه بینابین)، نقطه عطف منحنی است. این نمودار نشان می‌دهد که درصد عضویت افراد در زیرمجموعه‌های سمت «قلمروگرایی»، بیشتر از سمت «عدم قلمروگرایی» است.

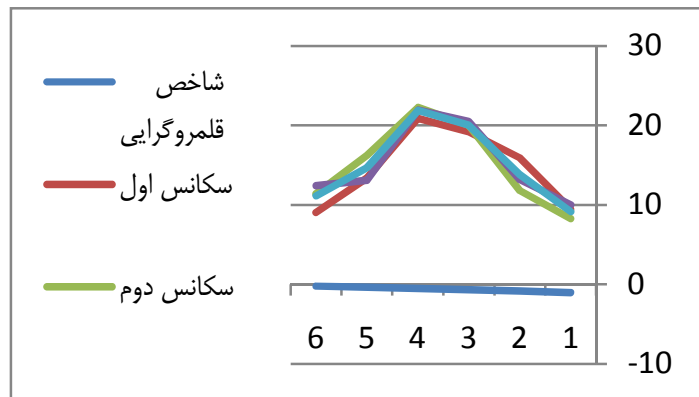
در سطح ابعاد قلمروگرایی و در زیرمجموعه «قلمروگرایی کامل»، بیشترین افراد پاسخگو عضو گویه‌های مربوط به تأمین فضای-شخصی با ۱۷/۹ درصد و امکان کنترل برخوردها و تعاملات در فضای خیابان با ۱۴/۲ درصد پاسخگویان می‌باشد.

نمودار نشان می‌دهد که نقطه‌گذر، نقطه‌عطف منحنی است. شیب تغییر در دو سوی نقطه‌عطف تا حدودی متفاوت است. طبق جدول شاخص قلمروگرایی، شهروندان سکنس سوم بیشترین درصد رفتار کاملاً قلمروگرایانه را دارند و شهروندان سکنس دوم کمترین درصد رفتار قلمروگرایانه. در زیرمجموعه «بیشتر قلمروگرایی» شهروندان سکنس اول بیشترین درصد و شهروندان سکنس دوم کمترین درصد هستند. از نمودار مقایسه شاخص قلمروگرایی در سکنس‌ها مشخص است که الگوی نسبتاً یکسانی در تغییر درصد عضویت پاسخگویان در هر یک از زیرمجموعه‌ها وجود دارد. نقطه گذر یا زیرمجموعه بینابین در همه آنها نقطه‌عطف نمودار است. کمترین درصد عضویت‌ها در هر دو زیرمجموعه انتهایی یعنی کاملاً عدم قلمروگرایی و کاملاً قلمروگرایی و همچنین بالاترین نقطه‌عطف نیز مربوط به سکنس اول است. به عبارتی داده‌های این سکنس در بازه وسیع‌تری توزیع شده‌اند. در مجموع، شهروندان سکنس‌های سوم و اول رفتارهای قلمروگرایانه

شاخص قلمروگرایی در این سکنس نشان می‌دهد، بیشتر افراد دارای رفتار قلمروپایی هستند. طبق داده‌های تجربی، ۲۲/۲ درصد پاسخگویان عضو زیرمجموعه «بینابین»، ۲۰ درصد دارای رفتارهای کم و بیش قلمروگرایانه، ۱۱/۸ درصد افراد دارای رفتارهای بیشتر قلمروگرایانه و ۸/۲۶ درصد نیز کاملاً رفتارهای قلمروگرایانه دارند. نمودار شاخص قلمروپایی در این سکنس نشان می‌دهد که نقطه گذر، نقطه‌عطف نمودار قلمروپایی است. شیب تغییرات عضویت موردهای پاسخگو در دو سوی نقطه‌عطف تا حدودی متفاوت است. در سمت «قلمروپایی کامل»، شیب ملایم‌تر و در نتیجه درصد عضویت‌ها بیشتر از سمت عدم قلمروگرایی است. شاخص قلمروپایی در سکنس نشان می‌دهد، بیشتر شهروندان دارای رفتار قلمروگرایانه هستند. در سطح ابعاد قلمروگرایی و معیارهای شکل‌دهنده آن، معیارهای امکان کنترل برخوردها و تعاملات در فضای خیابان، نشان‌دادن مالکیت خود بر فضای جلوی ملک و تأمین فضای شخصی مهم‌ترین آنها در قلمروگرایی هستند.

جدول ۹. مقایسه شاخص‌های قلمروگرایی گرای در سکنس‌ها و مجموع آنها

شاخص قلمروگرایی	(۰/۹۹)	(۰/۸۳)	(۰/۶۷)	(۰/۵)	(۰/۳۳)	(۰/۱۷)	(۰/۰۱)	بی پاسخ
سکنس اول	۹/۴۴	۱۵/۹	۱۹/۲	۲۰/۹	۱۳/۴	۹/۰۴	۹/۷۲	۲/۶۸
سکنس دوم	۸/۲۶	۱۱/۸۱	۲۰	۲۲/۲۸	۱۶/۲۲	۱۱/۴۱	۶/۶	۲
سکنس سوم	۱۰/۰۴	۱۳/۱۸	۲۰/۵	۲۱/۹۱	۱۳/۰۸	۱۲/۴۲	۶/۳۱	۳/۵۲
مجموع سکنس‌ها	۹/۱۴	۱۳/۸۲	۲۰	۲۱/۸۷	۱۴/۷۱	۱۱/۱۴	۷/۲۴	۲/۴۵



شکل ۵. مقایسه شاخص قلمروگرایی در مجموع سکنس‌ها

جدول ۱۰. شاخص پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری در سکانس میدان تجریش تا زعفرانیه

کاملاً پیوستگی	پیوستگی	تا حدی پیوستگی	نه پیوستگی و نه عدم پیوستگی	تا حدی عدم پیوستگی	عدم پیوستگی	عدم پیوستگی کامل	بی پاسخ
۸/۴	۱۲/۶	۱۷/۳	۲۰/۷	۱۵/۳	۱۱/۹	۱۱/۶	۲/۴

شاخص پیوستگی ساختمان و شهر در سکانس اول

جدول ۱۱. شاخص پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری در سکانس میدان ولیعصر(عج) تا چهارراه ولیعصر(عج)

کاملاً پیوستگی	پیوستگی	تا حدی	نه پیوستگی و نه عدم	تا حدی عدم	عدم	عدم پیوستگی	بی پاسخ
۶/۵	۱۰/۳	۱۸/۴	۲۱/۴	۱۸/۵	۱۵/۲	۷/۵	۲/۲

شاخص پیوستگی ساختمان و شهر در سکانس دوم

بیشتری دارند.

داده‌های تجربی پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری: در ادامه به بررسی شواهد و داده‌های تجربی پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری در سه سکانس از خیابان ولیعصر (عج) پرداخته می‌شود.

شاخص پیوستگی ساختمان و شهر در این سکانس نشان می‌دهد که بیشتر افراد این سکانس، ساختمان‌ها و فضای عمومی خیابان را پیوسته احساس می‌کنند تا ناپیوسته. همانند سایر متغیرها، در این متغیر نیز نقطه گذر نقطه عطف نمودار است و درصد عضویت افراد به سمت پیوستگی کامل بیشتر از عدم پیوستگی است.

شاخص پیوستگی در سکانس میدان ولیعصر(عج) تا چهارراه ولیعصر(عج) نشان می‌دهد درصد افرادی که ساختمان‌ها و خیابان را پیوسته ادراک می‌کنند، با درصد افرادی که ساختمان‌ها و خیابان را پیوسته ادراک نمی‌کنند، تقریباً یکسان است. الگوی توزیع درصد عضویت پاسخگویان در زیرمجموعه‌های پیوستگی ساختمان و شهر در نمودار بالا نشان می‌دهد که درصد افرادی که در این قسمت از خیابان، ساختمان‌ها و خیابان را به صورت یک مجموعه پیوسته و یکپارچه احساس می‌کنند با میزان افرادی که احساس عدم پیوستگی دارند تقریباً به یک اندازه است.

شاخص پیوستگی نشان می‌دهد که افرادی که احساس پیوستگی از فضا دارند با افرادی که احساس پیوستگی ندارند، تقریباً یکسان است. زیرمجموعه‌های بینابین، بیشتر عدم پیوستگی، کم و بیش عدم پیوستگی، کم و بیش پیوستگی، بیشتر پیوستگی و پیوستگی کامل به ترتیب بیشترین درصد پاسخگویان را دارند.

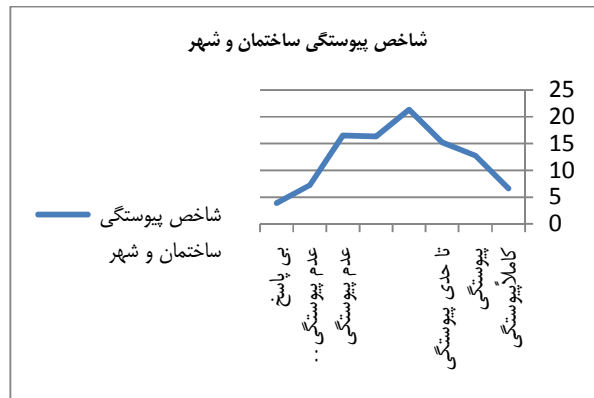
تحلیل توصیفی متغیر وابسته (معلول) یعنی پیوستگی ساختمان و شهر در هر یک از سکانس‌ها به طور جداگانه انجام گرفت. در مجموع سکانس‌ها و یا به عبارتی در کل خیابان ولیعصر(عج)، از طریق میانگین داده‌های تجربی حاصل از پیمایش اجتماعی در سه سکانس در جدول زیر ارائه شده است.

مقایسه شاخص پیوستگی ساختمان و شهر در سکانس‌های مختلف در نمودار زیر صورت گرفته است. شاخص پیوستگی ساختمان و شهر در خیابان ولیعصر در سکانس‌های مختلف نشان می‌دهد که نقطه عطف تمامی نمودارها، مربوط به زیرمجموعه بینابین است. علاوه بر آن، نقطه عطف تمامی نمودارها بر روی هم منطبق است. به عبارتی درصد افرادی که نه احساس پیوستگی کامل دارند و نه عدم احساس پیوستگی کامل، به یک اندازه هستند.

توزیع داده‌ها در دو سمت نقطه عطف نمودارها، باهم متفاوت است. در سمت عدم پیوستگی، با شیب تقریباً یکسان به ترتیب از درصد

جدول ۱۲: شاخص پیوستگی ساختمان و شهر در سکناس سوم

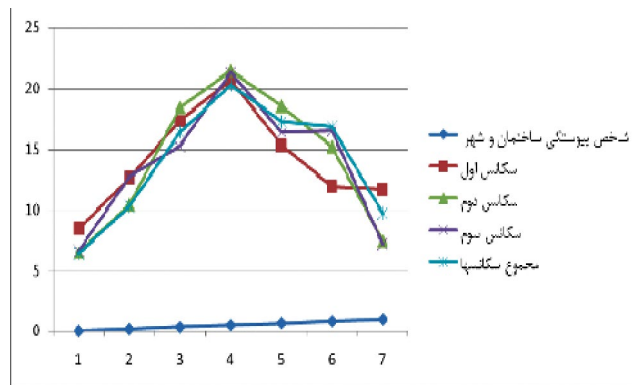
بی پاسخ	عدم پیوستگی کامل	عدم پیوستگی	تأحدی عدم پیوستگی	نه پیوستگی و نه عدم پیوستگی	تا حدی پیوستگی	پیوستگی	کاملاً پیوستگی	شاخص پیوستگی ساختمان و شهر
۳/۹	۷/۲	۱۶/۵	۱۶/۳	۲۱/۳	۱۵/۲	۱۲/۷	۶/۶۳	



شکل ۶: شاخص پیوستگی ساختمان و شهر سکناس سوم

جدول ۱۳: شاخص پیوستگی ساختمان و شهر در مجموع سکناس‌ها

بی پاسخ	عدم پیوستگی کامل	عدم پیوستگی	تأحدی عدم پیوستگی	نه پیوستگی و نه عدم پیوستگی	تا حدی پیوستگی	پیوستگی	کاملاً پیوستگی	شاخص پیوستگی ساختمان و شهر در مجموع سکناس‌ها
۲/۶۷	۹/۷۲	۱۶/۸۵	۱۷/۲۸	۲۰/۳	۱۶/۳۷	۱۰/۳۵	۶/۴	



شکل ۷: مقایسه شاخص پیوستگی ساختمان و شهر در سکناس‌ها

جدول ۱۴. رگرسیون فازی قلمروگرایی و پیوستگی ساختمان و شهر در سکانس‌های خیابان ولیعصر(عج)

مورد مطالعه	R	R ^۲	sig	constant	b	Beta	f
سکانس میدان تجریش تا زعفرانیه	۰/۴۵۶	۰/۲۰۸	۰۰۰	۰/۲۵۷	۰/۴۲۸	۰/۴۵۶	۲۷/۳
سکانس میدان ولیعصر(عج) تا چهارراه ولیعصر(عج)	۰/۶۷۹	۰/۴۶	۰۰۰	۰/۱۶۸	۰/۶۱۱	۰/۶۷۹	۱۹۱/۹
سکانس میدان راه آهن تا چهارراه مولوی	۰/۴۲۷	۰/۲۲۳	۰۰۰	۰/۲۳۳	۰/۴۴۲	۰/۴۲۷	۳۶/۹
مجموع سکانس‌ها	۰/۵۶۹	۰/۳۲۴	۰۰۰	۰/۲۰۴	۰/۵۲۴	۰/۵۶۹	۲۲۱/۲

ارزش R^2 برآوردی از واریانس پیوستگی ساختمان و شهر در فضای عمومی خیابان در سکانس اول است، که توسط رفتار قلمروگرایی شهروندان معین می‌شود. درجه $۰/۳۳۵$ ، معادل متغیر زیبایی «بیشتر بیرون تا درون مجموعه» است. در سکانس دوم $۰/۴۶$ درصد واریانس متغیر پیوستگی ساختمان و شهر توسط رفتار قلمروگرایی شهروندان معین شده است. در سکانس سوم و همچنین مجموع سکانس‌ها نیز، تحلیل فصل مشترک رفتار قلمروگرایی شهروندان و میزان ادراک پیوستگی ساختمان و شهر توسط آنها، همانند سکانس‌های قبلی است. طبق جداول رگرسیون فازی رفتار قلمروپایی شهروندان و ادراک پیوستگی ساختمان و شهر در سکانس‌های یادشده، تابع این رابطه در هر یک از سکانس‌ها، به شرح زیر است.

(پیوستگی ساختمان و شهر در سکانس اول)

$$Y = 0/105 + 0/428X \quad (\text{قلمروپایی شهروندان در این سکانس})$$

(پیوستگی ساختمان و شهر در سکانس دوم)

$$Y = 0/164 + 0/611X \quad (\text{قلمروپایی شهروندان در این سکانس})$$

(پیوستگی ساختمان و شهر در سکانس سوم)

$$Y = 0/233 + 0/442X \quad (\text{قلمروپایی شهروندان این سکانس})$$

(پیوستگی ساختمان و شهر در مجموع سکانس‌ها)

$$Y = 0/204 + 0/524X \quad (\text{همگرایی طرح‌واره‌های ذهنی در مجموع سکانس‌ها})$$

بر اساس این توابع، در صورتی که پیوستگی ساختمان و شهر زیرمجموعه شرط علی نباشد، به عبارتی، اگر تأثیر شرط علی رفتار

عضویت پاسخگویان تا انتهای نمودار کاسته می‌شود. در دیگر سمت نقطه عطف، شیب تغییرات متفاوت و در برخی سکانس‌ها، میزان عضویت‌ها بیشتر نیز می‌شود.

تملیل تبیینی

مدعای تبیینی مقاله آن است که بین رفتار قلمروگرایی و میزان احساس پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری همبستگی وجود دارد. این مدعای تبیینی از طریق تعیین ضریب همبستگی میان متغیر شرط علی قلمروگرایی و متغیر معلول پیوستگی ساختمان و شهر مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

در جدول بالا رگرسیون بین رفتار قلمروپایی شهروندان در هر یک از سکانس‌ها با پیوستگی ساختمان و شهر ارائه شده است. طبق داده‌های این جدول و بر اساس شواهد تجربی ارائه شده در آن، میزان رابطه رفتار قلمروگرایی شهروندان با ادراک پیوستگی ساختمان و شهر در سکانس میدان تجریش تا زعفرانیه معادل $۰/۴۵۶$ ، در سکانس میدان ولیعصر(عج) تا چهارراه ولیعصر(عج) معادل $۰/۶۷۹$ ، در سکانس میدان راه آهن تا چهارراه مولوی برابر با $۰/۴۲۷$ ، و در مجموع سکانس‌ها به اندازه $۰/۵۶۹$ است. نسبتی از واریانس مشترک پیوستگی ساختمان و شهر در فضای عمومی خیابان که از طریق وجود رفتارهای قلمروگرایی شهروندان در هر یک از سکانس‌ها به دست آمده است، در سکانس اول به میزان $۰/۲۰۸$ می‌باشد. این میزان در سکانس دوم معادل $۰/۴۶$ ، در سکانس سوم برابر با $۰/۲۲۳$ ، و در مجموع سکانس‌ها برابر با $۰/۳۲۴$ است. با توجه به مقدار R^2 در هر یک از سکانس‌ها، $۰/۲۰۸$ درصد واریانس مجموعه پیوستگی ساختمان و شهر در فضای عمومی این قسمت از خیابان و متغیر قلمروگرایی مشترک است.

قلمروپایی شهروندان، کنترل‌شود، عرض از مبدا پیوستگی ساختمان و شهر در سکنس اول برابر $0/0105$ ، در سکنس دوم برابر $0/164$ ، در سکنس سوم معادل $0/233$ ، و در مجموع سکنس‌ها برابر $0/204$ است. این موضوع به این معناست که پایه عضویت فازی پاسخگویان در مجموعه احساس پیوستگی ساختمان و شهر در خیابان ولیعصر در این سکنس‌ها، قبل از ورود شرط علی قلمروگرایی شهروندان، به ترتیب برابر با مقادیر اخیر است. تمامی این مقادیر پایین‌تر از درجه فازی نقطه‌گذار ($0/5$) در مقیاس فازی می‌باشند. از حیث مقوله‌بندی کیفی موردها، می‌توان آنها را با برجسب «در آستانه عدم قلمروگرایی» تعریف کرد. اما در صورتی که شرط علی در سکنس‌های مورد مطالعه، وارد ارزیابی و تحلیل در توابع مربوطه شود، اینگونه استدلال می‌شود که به ازای هر واحد تغییر مثبت در درجه شرط علی، $0/428$ واحد تغییر مثبت در معلول (پیوستگی ساختمان و شهر در فضای عمومی شهری) در سکنس اول، $0/611$ واحد تغییر مثبت در سکنس دوم، $0/442$ واحد تغییر مثبت در سکنس سوم، و $0/524$ واحد تغییر در مجموع سکنس‌ها قابل تخمین است. این اعداد بیان‌کننده ارزش شیب رگرسیون فازی آنها است که ارزش زبانی فازی آن معادل «بیشتر درون تا بیرون مجموعه» است. بر این اساس با دخیل نمودن رفتارهای قلمروگرایانه شهروندان به معادلات، آنها ادراک پیوستگی ساختمان و شهر در خیابان ولیعصر را در تمامی سکنس‌ها در حد «بیشتر پیوسته ادراک کردن فضا تا عدم پیوسته ادراک کردن» را خواهند داشت.

با استناد به شواهد تجربی اشاره‌شده، می‌توان بیان کرد که گزاره مشاهده‌ای در بازه صفر و یک با ضریب زاویه‌های $0/428$ در سکنس اول، $0/611$ در سکنس دوم، $0/442$ در سکنس سوم، و $0/524$ درجه در مجموع سکنس‌ها با گزاره نظری زیر سازگار است: هرچه درجه‌ی عضویت پاسخگویان در مجموعه‌ی قلمروگرایی (مصادیق علت) بیشتر باشد، درجه‌ی عضویت در مجموعه احساس پیوستگی ساختمان و شهر در فضای عمومی شهری (مصادیق نتیجه) نیز بیشتر خواهد بود. با توجه به ضریب زاویه زیاد، میزان همبستگی علت و معلول کاملاً مشخص است و فرضیه مورد تایید است.

نتیجه‌گیری

رفتار قلمروپایی یکی از شروط ادراک پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری است. قلمروگرایی یا به‌عبارتی داشتن رفتار قلمروپایی به‌عنوان یکی از ابعاد اجتماعی فضاهای شهری تأثیر

زیادی در نوع رفتار شهروندان در فضاهای عمومی شهری دارد. نتایج این تحقیق نشان‌داد که بر اساس تفاوت‌های فرهنگی بین شهروندان و خصوصیات فضای شهری سکنس‌های مختلف خیابان ولیعصر (عج) تهران، میزان قلمروگرایی در آنها متفاوت است. در سکنس میدان ولیعصر (عج) تا چهارراه ولیعصر (عج) کمترین میزان قلمروگرایی وجود دارد و متناسب با آن میزان مطلوبیت فضا نیز پایین است. در سکنس راه آهن تا چهارراه مولوی این مقادیر از سکنس قبلی بیشتر است. ولی بیشترین مقدار در سکنس میدان تجریش تا زعفرانیه است. به‌دلیل توجه زیاد به هویت و اصالت منطقه، و همچنین اهمیت‌دادن به معیارهای فعالیتی و اجتماعی در سکنس میدان تجریش تا زعفرانیه و امکان شکل‌گیری و کنترل روابط اجتماعی در فضا، میزان رفتار قلمروگرایی در آن بیشتر است. بیشترین میزان تأثیر قلمروگرایی بر افزایش انسجام فضاهای عمومی شهری مربوط به سکنس دوم یعنی میدان ولیعصر (عج) تا چهارراه ولیعصر (عج) است بعد از آن در سکنس سوم (میدان راه‌آهن تا چهارراه مولوی) بیشترین تأثیر و پس از آن مربوط به سکنس میدان تجریش تا زعفرانیه است. در سکنس‌های اول و دوم معیارهای تأمین فضای شخصی و امکان کنترل برخوردها و تعاملات در فضای خیابان و نشان‌دادن احساس مالکیت بر فضای جلوی ملک بیشترین تأثیر را بر قلمروگرایی دارد. در سکنس سوم، معیارهای امکان کنترل برخوردها و تعاملات در فضای خیابان، نشان‌دادن احساس مالکیت بر فضای جلوی ملک و تأمین فضای شخصی مهم‌ترین معیارها در قلمروگرایی هستند.

از آنجایی که معیارهای ارزیابی انسجام فضا در سه سکنس تفاوت قابل‌توجهی داشت به‌منظور تقویت قلمروگرایی و همچنین انسجام فضای عمومی شهری لازم است به معیارهایی که بر اساس آن شهروندان نسبت به ارزیابی و داوری انسجام مکان زندگی می‌پردازند باید توجه داشت. علاوه بر آن در طراحی فضاها باید تنوع و تفاوت‌های فرهنگی شهروندان را لحاظ نمود و متناسب با زمینه اجتماعی و فرهنگی، فضاهایی متناسب با افراد آن محل ایجاد نمود. در سکنس تجریش معیارهای اجتماعی و فعالیتی تأثیر زیادی در کیفیت فضا دارند. در سکنس میدان ولیعصر به‌دلیل ماهیت آن فضا و فراشهری بودن نقش آن و وجود افراد متنوع و غالباً دانشگاهی و کاربری‌های متنوع آن، عمدتاً معیارهای فعالیتی نقش تعیین‌کننده دارند. در سکنس راه‌آهن معیارهای کالبدی و حفظ هویت و شخصیت و روح کلی حاکم بر مکان تعیین‌کننده است.

دسترسی و دانه‌بندی بلوک‌ها یک معیار مهم از نظر شهروندان در پیوستگی مناسب ساختمان و شهر است. اغلب شهروندان ترجیح

مورد تأیید است.

پی‌نوشت‌ها

1. Full membership
2. Mostly in
3. Degree of membership is More in than out
4. Cross-over point
5. Degree of membership is More out than in
6. Mostly out
7. Full non membership

فهرست مراجع

۱. حبیب، فرح؛ و شکوهی، علی. (۱۳۹۱). شناخت و تحلیل مسائل شهری با استفاده از سیستم‌های فازی. *نشریه هویت شهر*، ۶ (۱۰)، ۲۶-۱۷.
۲. حمیدی، ملیحه. (۱۳۷۶). *استخوان بندی شهر تهران*. جلد اول. تهران: انتشارات سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران.
۳. سعایی، علی. (۱۳۹۲). *روش پژوهش تطبیقی: با رویکرد تحلیل کمی تاریخی و فازی*. چاپ اول. تهران: انتشارات آگه.
۴. گاسکو، بارت. (۱۳۸۴). *تفکر فازی*. (علی غفاری؛ عادل مقصودی؛ علیرضا پورممتاز؛ و جمشید قسیم، مترجمان). چاپ سوم. تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی.
۵. لنگ، جان. (۱۳۸۶). *آفرینش نظریه معماری نقش علوم رفتاری در طراحی محیط*. (علیرضا عینی‌فر، مترجم). چاپ سوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. (نشر اصلی اثر ۱۹۸۷).
۶. لینچ، کوین. (۱۳۸۷). *سیمای شهر*. (منوچهر مزینی، مترجم). چاپ هفتم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. (نشر اصلی اثر ۱۹۶۰).
۷. نقی‌زاده، محمد؛ و طغیانی، شیرین. (۱۳۹۰). *ضرورت مدیریت بحران‌های هویتی در فضاهای شهری*. *نشریه هویت شهر*، ۵ (۹)، ۸۲-۷۳.
8. Altman, I. (1973). Reciprocity of interpersonal exchange. *Journal for Theory of Social Behavior*. (3), 249-261.
9. Altman, I. (1975). *The Environment and social Behavior: Privacy, Personal Space. Territory, Crowding, Brooks/Clos*
10. Altman, I. & Chemers. M. (1980). *Culture and Environment*. Brooks/Cole Publishing Company.
11. Ardrey, R. (1966). *The Territorial Imperative*. New York: Atheneum.
12. Dubos, R. (1965). *Man Adapting*. New Haven: Yale University Press.
13. Edney, J.J. (1976). Human Territories: Comment on

می‌دهند دسترسی در دو بُعد کالبدی و بصری به‌حد مطلوب بین خیابان و ساختمان‌ها و همچنین فضاهای پشت‌جداره وجود داشته‌باشد. دانه‌بندی‌های خیلی بزرگ، مطلوب شهروندان نمی‌باشد. امنیت برای شهروندان در فضاهایی که استفاده و کاربری‌های شبانه‌روزی دارند مهم‌تر از شهروندانی است که در فضاهای با استفاده و کاربری‌های روزانه سر و کار دارند. خلوت بیش از حد، نیز احساس امنیت را پایین می‌آورد. در فضاهای شلوغ و پر رفت‌وآمد، شهروندان کمتر احساس عدم امنیت می‌کنند.

بین حس مالکیت به فضای جلوی ملک و کنترل مداوم با سابقه سکونت در محل و نگرش دائمی به سکونت و فعالیت در آنجا و حس تعلق داشتن به آن محل، رابطه بسیار معنی‌داری دیده‌می‌شود. شهروندانی که فعالیت و سکونت خود را موقتی می‌بینند یا اینکه صرفاً در حال عبور از فضا و یا نظاره‌گر آن هستند، تمایل آنچنانی به رفتارهای قلمروگرایانه از خود نشان نمی‌دهند. نتایج این تحقیق نظر اسکار نیومن در مورد فضاهای قابل دفاع را قویاً تأیید و تقویت می‌کند.

در خصوص مرز بین ساختمان‌ها و فضای خیابان و وجود سلسله‌مراتب فضایی بین آنها علی‌مدنی‌پور معتقد است که ابهام و شفافیت باید به‌طور هم‌زمان استفاده‌شود ولی جین جیکبز معتقد است، در خیابان شهری باید به خاطر افزایش نظارت اجتماعی و وجود امنیت و در دید مستقیم بودن تمام قسمت‌های خیابان، عرصه عمومی مستقیماً به عرصه خصوصی متصل‌شود. ادعای تحقیق بر اساس نتایج به‌دست‌آمده این است که وجود سلسله‌مراتب فضایی بین ساختمان‌ها و خیابان در قسمت‌های سرزنده، پر تراکم و با رفت‌وآمد بالا بسیار مفید است و از نظر شهروندان بسیار مطلوب و لازم تلقی شده‌است. در بعضی قسمت‌های فضاهای عمومی شهری نیز به‌دلیل حضور گسترده افراد در شب هنگام و استفاده از این فضاهای نیمه‌عمومی به‌عنوان فضای تجمع مفید است و نظارت و امنیت هم تأمین شده‌است. ولی در فضاهای دارای استفاده موقت از فضا و عدم حضور چشم‌گیر سایر گروه‌های اجتماعی، بهتر است طبق گفته جیکبوز عرصه عمومی به خصوصی مستقیماً وصل‌شود. به‌طور کلی نتایج این تحقیق عقیده جیکبز در مورد عدم استفاده از سلسله‌مراتب آنچنان تأیید نمی‌کند. صرفاً در بخش‌هایی از خیابان که در شب هنگام فضای خیابان به‌عنوان خیابان عبوری است، نظر جیکبوز مورد تأیید است. فضاهای نرم و سختی که راجر ترانسیک اشاره می‌کند یا به‌عبارتی مرزهای نرم و سخت در کنار هم و تلفیق مناسب آنها کیفیت فضاهای عمومی شهری را افزایش می‌دهد. اصالت فضا و یافتن فضاهای گمشده نیز

Functional properties. *Environmental and Behavior*, 1, 574-589.

14. Goffman, E. (1963). *Behavior in Public Spaces*. New York: Free Press.

15. Hall, E. T. (1966). *The Hidden Dimension*. Garden City. N.Y.

16. Hall, E.T. (1995). *Towards a general urban theory*, in *Brotchie*. M.Batty, E.Blakely, P.Hall and P.Newman, eds. *Cities in Completion*. Melbourne: Longman Australia.

17. Lynch, K. (1960). *The image of the city*. Cambridge.

Mass: MIT press.

18. Newman, O. (1972). *Defensible Space: Crime Prevention Thought Urban Design*. New York: Macmillan.

19. Ragin, C. C. (2008). *Redesigning Social Inquiry: Fuzzy Sets and Beyond*. Chicago: University of Chicago Press.

20. Sommer, R. (1969). *Personal Space: The Behavioral Basis of Design*. Englewood Cliffs. N.J.: Prentic- Hall.